

به ریاضت نشسته، انواع و اقسام سحرها و منترها یاد گرفته به دفتر سینه خود ثبت کرده بود. روزی به عزم سیاحت به فرنگستان رفته، در «ژرمانیا» در شهر «لپسیک» کنار رودخانه، خانه «کاندالین» نام نقاش نهمه منزل گرفت.

درویش خدمتکار و مصاحب نداشت. هرروز از خانه بیرون می‌رفت، تا شب در شهر می‌گردید، باز برمی‌گشت، می‌آمد در همان منزل تنها می‌خوابید. اما همه مآکولات و مشروبات او در منزلش بی‌زحمت حاضر می‌شد. کاندالین تعجب نموده باخود گفت: آیامایحتاج منزل درویش را که فراهم می‌آورد؟ یک روز صبح خلوتی آمده پشت پنجره درویش ایستاده، کمین کرد ببیند آب برای شستن دست و روی درویش از رودخانه که خواهد آورد؟ دید درویش برخاست از زیر تخت جارویی بیرون آورد، در پیش خود زمین گذارد، منتری خواند بر آن دمید. در دم به شکل آدم برگشت، زود سبو را برداشته، در باز نموده به سوی رودخانه دوید، آب پرکرد آورد. در اطاق به خمره و چلاکها ریخت. درویش باز منتری خواند، همان آدم به صورت جاروب برگشت. اما کاندالین خواندن منتر دویم را ندید. و نداشت منتر دیگر هم هست که شکل آدم را دوباره جاروب کند.

کاندالین فقیر صاحب اهل و عیال بود، توکر و کنیزی نداشت برود آب خانه او را بیاورد. همیشه کارش این بود صبح برخیزد و سبو را بردارد برود از رودخانه آب کشیده بیاورد در خانه، خمره و ظرفها را پرکند. بعد بکار خود مشغول بشود. بنیال افتاد اگر می‌توانستم این منتر را از درویش بیاموزم هرروز جاروب آب خانه مرا بکشد، من آسوده بکار خود پردازم چه خوب راحت می‌شدم. به همین خیال روزی صبح آمده پشت در اطاق درویش پنهان شد. خوب گوش داده همان منتری را که چند کلمه حرف بود به دقت تمام فرا گرفته، برگشت.

روز دیگر که از خواب برخاست زنش را بیدار کرده گفت: برخیز جارویی نزد من بیار. زنکه برخاسته جاروب را آورد. کاندالین گرفت پیش خود گذارد. پس از آن منتری که آموخته بود خوانده به جاروب دمید. به شکل آدم برگشته، سبو را برداشته به سوی رودخانه دوید، آب پرکرده آورد به خمره‌ها و چلاکها ریخت. کاندالین و زنش از شکل لذت برده از غایت خوشحالی که همچنین نعمت عظیمی بر آنها

نصیب گردید مدهوش ماندند. شکل پی در پی آب آورده، تمام خمرها و ظرفها را پرکرد، باز هم کشیده می ریخت تا از خمرها بالا رفته به خانه فرو آمد.

نقاش دید آب به اطاق می ریزد گفت: دیگر نیار بس است، لازم نیست. شکل چه می فهمد که چه می گوید. به قرار سابق جلد و چابک آبش را می کشد. آب اطاق را فرا گرفت. کاندالین و زتش تنگ آمدند داد زدند: نیار نمی خواهیم، نمی خواهیم، نیار. شکل گوش نمی داد. تا آب در میان اطاق به زانو رسید. زن که دست بچه ها را گرفته به حیاط دوید. کاندالین تیر برداشته زد شکل را از میان دونیمه کرد. هر دونیمه شکل شده، سبو برداشته، از دو طرف پی آب دویدند. کاندالین هر چه زد پاره نمود هر پارچه اش باز شکل گشته، به آب کشیدن پرداخته تا شماره آب کش به شانزده رسید.

کاندالین خسته و عاجز مانده، تیر دور انداخته به سر و زانو می زد، فریاد می کرد. همسایه ها به صدای وی گرد آمده، دیدند آب در اطاق و دهلیز کاندالین به زانو رسیده، شاتزده تا شکل بی زبان می آب می کشند به خانه می ریزند. آلات نقاشی و تصویرانش همه روی آب ایستاده است. همسایه ها همه گذارش را پرسیده مطلع شدند. هر چه گفتند آب نیار بس است، دیگر لازم نیست - شکلهای نشنیدند: ناچار به جستن درویش به هر طرف آدم روانه کردند. درویش از کجا پیدا می شود. زن کاندالین به سینه می زد، میان حیاط شیون می نمود، بیچاره کاندالین لاعلاج مانده نمی دانست چه کند. شکلهای بی مروت می آب می کشیدند، به خانه می ریختند. چیزی نمانده بود رخنه به بنیاد خانه بیفتد.

ناگاه درویش به خانه برگشت. زن و شوهر به دست و پای درویش افتاده، التماس کردند. درویش همان ساعت منتری خواند، شکلهای باز به صورت اصلی برگشته، جان کاندالین خلاصی یافته خانه اش از ویرانی سالم ماند. توبه کرد تا دیگر از این گناه ن خورد؛ یا منتر برای خود آب کش درست نکند.

آب بر انسان لازم است و یکی از الزام حوایج زندگانی است. اما اگر زیاده از مقدار کفاف باشد باعث می شود به مصیبتی که بر سر کاندالین آمد. پس ملبومات برای رفع احتیاج جسمانی انسان لازم است، هرگاه از قدر کفایت زیادتر باشد بکار نخواهد خورد. و هر

تنخواہی برای علاوه بر احتیاج آن داده شد بی عوض مانده، باعث افلاس ارباب استطاعت می گردد. تمام شد ترجمه فی شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۸۷ . . . محمدجعفر قراچه داغی.

## ۲. چند قطعه شعر

پیش از این دانستیم که نخستین اثر میرزا فتحعلی منظومه‌ای است که در سوگ پوشکین سرود آنگاه که بیست و پنج ساله بود. آن منظومه را به سبک پیشینیان پرداخته، حکومت تزاران را که پوشکین قربانی آن گشت به تلویح هدف نکوهش قرار داده است. راجع به دو ترجمه آن به شعر روسی، به وسیله خودش و به وسیله مارلینسکی پیشتر توضیح داده‌ایم.<sup>۱</sup> اشعار فارسی میرزا فتحعلی از نظر شیوایی و بیان شعری از حد متوسط نمی‌گذرند، اما از دیدگاه انتقاد اجتماعی درخور توجه‌اند. منظومه مزبور و چند قطعه دیگر او را نقل می‌کنیم.<sup>۲</sup> در انتخاب آنها به معنی اشعار و اندیشه انتقادی سراینده توجه داشته‌ایم.

۱- نگاه کنید به بخش دوم، ص ۳۸-۳۷.

۲- نقل از آثار میرزا فتحعلی (ج ۱، آثار ادبی، بادکوبه، ۱۹۵۸).

## در مرگت پوشکین

نداده دیده به خواب و نشسته در شب تار  
بگفتمی بدل ای کان گوهر اسرار.  
چه شد که بلبل گلزارت از نوا مانده  
چه شد که طوطی نطقت نمی کند گفتار؟  
چه شد که راه سخن سنجیت شده مسدود  
چه شد که پیک خیالت بمانده از رفتار؟  
بهار آمد هان هر یک از بنات نبات  
جمال خویش بارایشی کند اظهار.  
بنفشه زار شد اطراف جویبار چمن  
شکفت غنچه ناری به گلبن گلزار.  
عروس دشت مزین ورا ز بهر نثار  
پراز جواهر ازهار دامن کهنسار.  
نهاده تاج شکوفه به تارک اندر باغ  
نشسته خسرو اشجار با کمال وقار.  
سران سوسن و زنبق به شادیش نوشند  
شراب ژاله ز اقداح لاله با تکرار.  
چنان زیاسمن آراسته است بزم چمن  
که خیزه از نگهش چشم نرگس خمار.

به رسم تحفه خوش آمد کنان برد بلبل  
 به سایران ورق گل گرفته در منقار.  
 به آپاشی گلشن سحاب بسته کمر  
 نسیم صبح به تعطیر او شده عطار.  
 به صوت ترم سحرگه نوا سرامت طیور  
 که از نقاب تراب ای نگار سبزه سرآر.  
 هرآنچه هست تهی دست نیست از هنری  
 زهر کدام متاعیست اندرین بازار.  
 یکی به حسن دل‌آویز و عشوه جلوه‌گر است  
 یکی به ناله کند عشقبازیش اشعار.  
 همه به ذوق و طرب وقت خویش می‌گذرد  
 وداع کرده در این حال با الم یکبار.  
 مگر تو کز فرح و شور بی‌نصیب شده  
 ز خواب خامشی ای دل نمی‌شوی بیدار.  
 نه در دلت هوسی نی به سر هوای کسی  
 زمیل ناموری و خیال شعر کنار.  
 مگر نه‌ای تو همان دل که حین غوطه‌وری  
 به بحر فکر پی نظم چون در شهوار؟  
 هزار دختر معنی طرفه را داری  
 از آن لالی منظومه زیور رخسار.  
 کنون ندانمت آخر ملولیت زکجاست  
 کنون چوایی چو ماتمزده غمین و فکار؟  
 جواب داد که ای مونسیم به تنهایی  
 مرا دگر پس ازین در مدار خود بگذار.  
 چو شاهدان چمن من هم از ندانستم  
 که هست باد خزان از پی نسیم بهار.  
 بدان به تیغ زبان قامت سوار سخن  
 ز بهر نام بیارامتم درین پیکار.  
 ولی مرا شده معلوم بی‌وفائی دهر  
 مآل عاقبت خویش و جور آن غدار.  
 نه بخردیست زمرغی که دیده دام به چشم  
 برای دانه او باز می‌خورد تیمار.

صدای شهرت و آوازه هنر تویدان  
 مثال توف درین جوف گنبد دوار.  
 مگو خیال دگر دانم آنکه براهلش  
 چگونه اجر دهد این سپهر کج رفتار.  
 مگر توای زجهان بیخبر نه بشنیدی  
 زپوشکین به خیل سخنوران سالار؟  
 چه پوشکین که به هنگام نکته پردازیش  
 صدای مدح زهرگوشه خاستی صدبار.  
 چه پوشکین که کاغذ شدی سیه روزان  
 که کاش خامه ویرا فتد پرورش گذار.  
 خیال داشت به هر گردشش که چون ملاوس  
 هزار نقش غریب از سخن شدینمودار.  
 به حسن طبع بیاراست بیت نظم لومو-  
 نوسوف خیال وی آنجا گرفت استقرار.  
 اگرچه ملك سخن را گرفت در زاوین  
 به حکمرانی و نظمش ولی شد او مختار.  
 قرمزین از می عرفان بکرد پرجامی  
 ولی بخورد وی آن می زکامه سرشار.  
 گرفت شهرت فضلش جهان بدانگونه  
 که شوکت نيقولای از خطای تا تاتار.  
 مشار بود به انگشت در فضای شمال  
 چنانکه مشرقیان راست ماه تازه مشار.  
 پسر بفهم چنان و پسر به طبع چنین  
 زهفت آب نژائیده بود مادر چار.  
 کنون زمن به تعجب شنو که این ابوین  
 نداشتند زبی مهری مراورا عار.  
 به تیر مرگ وجودش نشانه بنمودند  
 ز روزگار وی آورده صد دریغ دمار.  
 به يك تگرک سحاب میاه دور افکند  
 به امرشان درخت حیات او را بار.  
 چراغ روح وراکرد تندباد اجل  
 خموش و ساخت شبستان جسم او را تار.

به تیشه ستم این باغبان پیر برید.  
 نهال نورس قدش ز صحن این گلزار.  
 سرش که مخزن گنج معانی دل بود  
 ز دورمار طبیعت بگشت خانه مار.  
 ولی چو غنچه که می خواند بلبل طبعش  
 به هستیش بزده سرکنون ز خاکش خار.  
 پرید مرغ روانش ز آشیان بدن  
 بگرد انیس الم جمله صفار و کبار.  
 زمین زرس به یاس و حزن کند نوحه  
 که ای قتیل زدست قتل بدکردار  
 ترا نکره خلاص آن طلسم توحقا  
 ز شر ساحری این عجوز جادوکار.  
 زدوستان زمینی چه دور افتادی  
 در آسمان ترا باد رحمت حق یار.  
 زملاک یاغچه سرا بوی عطر از آن دوگلت  
 دهد به خاک تو نوارد با نسیم بهار  
 از این خبر شده پیر سفید موقفقاز  
 به شعرهای صبحی تراست ماتم دار.



## تقلید و اجتهاد

علم را تقلید شان پر باد داد  
«ای دو صد لعنت بر این تقلید باد»  
جهل ما را اجتهاد آمد بدر،  
الحذر از اجتهاد ای با خبر.  
این همه غوغا و تشویش جهان،  
اختلافات همه ایرانیان،  
هم ز تقلید است و هم از اجتهاد،  
سینه چاک از هردو می‌خواهیم داد.  
باد از تقلید ما را سرزنش،  
خاصه از تقلید هود خرمنش.

### مرثیه‌خوان

باز این چه شورش است که در جن و آدم است،  
گویا علیق مرثیه‌خوان يك دومن کم است.  
فریاد او زبهر درم در سرای ما،  
بی تفتح سور خاسته تا عرش اعظم است.  
ای وای پول می‌طلبید زان سبب کنون،  
آشوب در تمامی ذرات عالم است.  
تنها نه ما فغان زطمعکاریش کنیم،  
سرهای قدمیان همه برزانوی غم است.  
قحط و هلا زيك طرف افکنده ولوله،  
ملا زيك طرف همه‌جا کار درهم است.  
درهر دیار خاصه در ایران پربلاء،  
از دست این گروه گداپیشه ماتم است.  
یکبار رستخیز بود اندر آن جهان،  
زین قوم، رستخیز به‌ما هر محرم است.

## آزاداندیشی

من طالب اسم و رسم گشتم،  
از حور بهشت در گذشتم.  
هر روز وزوجنی چه خوانی؟  
هیسات زحور کامرانی.  
من دل به چرن - پرن نبستم،  
از رنج نماز و روزه رستم.  
برهالم معرفت قدم نه،  
از وصلت حور این ترانه.  
آن لذت روح عاقلانست،  
این لذت نفس جاهلانست.



## منابع

### ۱- منابع اصیل

- مکتوبات کمالالدوله: نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، شماره ۱۱۲۳، دویت و شانزده ورق.<sup>۱</sup>
- آثار سیاسی و اجتماعی و فلسفی آخوندآوفا: چاپ حمید محمدزاده، حمید آراسلی، بادکوبه ۱۹۶۱.
- آثار ادبی آخوندآوفا: چاپ فیضالله فاسمزاده، حمید آراسلی، حمید محمدزاده، بادکوبه ۱۹۵۸.
- آثار هنری منشور و انتقادات ادبی آخوندآوفا: چاپ ح. آراسلی، م. عارف، بادکوبه ۱۹۵۸.
- الفبای جدید و مکتوبات میرزا فتحعلی آخوندآوفا: چاپ حمید محمدزاده، حمید آراسلی، بادکوبه ۱۹۶۳.

---

۱- امضای «فتحعلی» در پایان مقدمه کتاب ملاحظه می‌شود. نسخه‌ای است که میرزا فتحعلی برای میرزا عبدالوهاب خان آصفالدوله فرستاده. در ورق اول نسخه به خط دیگری نوشته شده: «مکاتبه کمالالدوله و جلالالدوله از میرزا فتحعلی آخوندزاده».

نصایح آخوندزاده: درس معارفنامه و زبان سبزه‌گان فریب‌جو (۱۲۸۸ - ۱۲۸۸).  
میرزا محمدجعفر فراه‌دانی، طهران ۱۲۹۱ - ۱۲۸۸.

مثل حکیم مسعودی: [میرزا فتحعلی آخوندزاده] ترجمه میرزا محمدجعفر  
فراه‌دانی، طهران ۱۳۸۷.

ایزادات میرزا فتحعلی به تاریخ رضاعلی‌خان هدایت: نسخه خطی، کتابخانه ملی  
ایران، مجموعه شماره ۱۴۹.

در تهیه حریت از حکیم انگلیسی جان ایستوارت: [نوشته آخوندزاده]، نسخه  
خطی، کتابخانه ملی ایران، مجموعه ۱۴۹.

هوانظ، حکیم فرنگی در ابوی در اوایل «ریولیونسیا» شورش فرانسه: [نوشته  
آخوندزاده]، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، مجموعه شماره  
۱۴۹.

بسط و درجیل مطالبی که در اواخر هارت ۱۸۷۴ از میرزا ملک‌خان شنیده شد:  
(گفتگوی آخوندزاده و ملک‌خان)، نسخه خطی، کتابخانه ملی  
ایران، مجموعه شماره ۱۴۹.

ترجمه مکتوب شارل-مهر فرانسواوی به صدر اعظم عثمانی مورخ دوم مارس ۱۸۶۹:  
نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، مجموعه شماره ۱۴۹.

کتاب «سواره دوکستاتی بویل»: نوشته شارل مهر فرانسواوی، به ضمیمه نامه  
او به صدر اعظم عثمانی، ترجمه علی نامه‌نگار، نسخه خطی، کتابخانه  
ملی ایران، شماره ۱۴۸.

شرح آرشيو میرزا فتحعلی آخوندزاد: تألیف ا. ابراهیم اوف، یادکوبه ۱۹۵۵

۲- برای متن چاپی آن نگاه کنید به: آثار، ص ۴۰۳ - ۴۰۰. انتساب این نوشته  
به ملک‌خان درست نیست.

۳- مضمون آن درینجا به عنوان «بیده» جزو ملحقات مکتوبات کمال‌الدوله  
چاپ شده (ملحقات، ص ۴۵۳ - ۴۵۲). انتساب این نوشته به ملک‌خان درست نیست.

۴- برای متن کامل چاپی نگاه کنید به: الفبای جدید و مکتوبات، ص ۲۹۵-۲۸۶.  
نسخه خطی ناقص است به این معنی که در ورق شش قطعه‌ای افتاده دارد، و در پایان  
مطلب نیز چند جمله درباره فراموشخانه حذف شده است.

۵- برای توضیح بیشتر راجع به دو مجموعه خطی شماره ۱۴۸ و ۱۴۹ نگاه کنید  
به: فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، به اهتمام سیدعبدالله انوار، تهران، ۱۳۴۳.

۱- رمان تو کی

رسالة يك كلمه: میرزا یوسف خان [مستشارالدوله]، تهران ۱۲۸۲.

مجموعه سه تیاتر منسوب به ملک‌خان: ران، ۱۳۴۰.

۴- مراجع درجه دوم

Bennigsen, A. Et Quelquejay, Cr. *La Presse Et Le Mouvement National Chez Les Musulmans De Russie Avant 1920*, La Haye. 1964

Blanch, L. : *The Sabres Of Paradise*, London, 1960.

Bricteux, B. : *Les Comedies De Malkom Khan*, Liège, 1933.

*The Encyclopaedia Of Islam*, New Edition, Vol. i. , Leiden, 1956.

Klimovitch, L. : *Is Istori Literature Savetskovo Vastoka*, Moscow, 1959

*Malaya Sovetskaya Ensiklopedya*. Moscow, Vol. 1. 1932, Vol. 2. 1936, Vol. 9. 1932.

*Poety Azarbaijana*, Moscow, 1962.

Rafili, M. : *Akhundof*, Moscow, 1959.

Schapiro, L. : *Rationalism And Nationalism In Russian Political Thought*, Yale, 1967.

Tinianof, Y. : *Smert Vazir Mukhtara*, Moscow, 1948.

۶- فهرست آثار میرزا فتحعلی را از این مأخذ آقای باقر مؤمنی ترجمه نمودند و در اختیار نگارنده قرار دادند. از ایشان تشکر دارم.  
۷- نویسنده حقیقی این سه نمایشنامه میرزا آقای تبریزی است، انتساب آنها به ملک‌خان صحیح نیست.

## فهرست نام کسان

آخوندزاده، میرزا فتحعلی امرتسار در همه صفحات)	اعتمادالدوله، میرزا ابراهیم خان شیرازی ۱۳۹
آدم، تهمورس ۷۲ ج	انگلی ۷۱
آدیوسکی ۱۷	انصاری، شیخ مرتضی ۱۲۹
آراسلی، حمد ۳۱	انصاری، میرزا سعیدخان ۸۰، ۹۲
آردن ۳۴	انوار، عبدالله ۶۱ ج
آندرونیکف ۳۸	اوتسمی یف، حسن خان ۱۷، ۲۴، ۲۵
ابوالحسن بن هلال ۷۹ ج	امیر کبیر، میرزا قاسم خان ۲۸، ۱۱۴، ۱۳۹
امن خلدون ۷۹ ج، ۱۲۴، ۲۲۷	۱۶۳
امن خلکان ۷۹ ج	باب، سیدعلی محمد ۲۱۳، ۲۱۴
امن سینا ۲۰۸، ۲۲۸	بابایوف، آقاعلی اکبر ۲۳
ابن مقله ۷۹	باراناشیویلی ۱۶
ابوویان ۱۶، ۱۸، ۳۸	باکل ۲۰، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱
احسائی، شیخ احمد ۱۸۲، ۲۱۴	۲۳۳، ۲۵۴
احمد، حاجی ۹	باگراتیانی ۳۹
احمد سرخسی ۷۱ ج	بایرون ۲۵۴
اردوبادی، عسکرخان ۲۱، ۸۴	برزین ۲۳۲ ج
استرافسکی ۱۹، ۳۶، ۴۰	برز، آدلف ۱۲ ج
اسدآبادی، جمال الدین ۱۵۲، ۱۵۳	بریکتو ۶۸
اسکریب ۴۰	بستوزف = مارلینسکی
اسماعیل صفوی، شاه ۲۵۲	بکتاش، مایل ۶۳ ج، ۲۶۶ ج
اعتضادالسلطنه، غلیقلی میرزا ۲۴، ۸۳	بکی خان، عباسقلی بیگ ۱۴، ۱۵، ۱۶
۹۲، ۱۳۳، ۲۴۳، ۲۵۸	۱۸، ۳۸
اعتمادالدوله، میرزا آقاخان نوری ۹۹	بلینسکی ۱۹، ۳۶، ۳۷



بصایح خانم ۱۰	۱۶۴، ۱۵۹، ۱۰۱ - ۱۰۶، ۸۹، ۸۶
بیکلا (تزار روس) ۲۶، ۲۸، ۳۴	مشیرالوزاره، علی خان ۱۰۱، ۱۰۴ ح
بیکلا (کنسول فرانسه) ۱۸۷، ۲۳۱، ۲۳۷ - ۲۳۴	۱۱۱ ح، ۱۱۲
سوس ۱۷۵	معمدالدوله، فرهاد میرزا ۲۴، ۶۰
وات ۲۵۴	معین‌الملک، محسرخان ۲۳
واقف، ملا پناه ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۱	ملانوز ۳۷ ح
والاس ۱۸۷	ملکم خان، میرزا ۲۳، ۲۶، ۶۸، ۷۰
وزانسوف، ژنرال ۸۶	۷۲، ۷۳، ۷۵، ۸۸، ۱۰۲ - ۹۳، ۱۵۴
ولر ۲۰، ۳۹، ۸۶، ۱۴۶، ۱۸۹، ۱۹۰	۱۹۴، ۱۹۵، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۶
۲۳۳، ۲۵۴	۲۴۶
ویتلینگ ۷۱	نایلتون ۱۷، ۱۹۴، ۲۴۰
ه. دایت، رضاقلی خان ۱۱۱ ح، ۲۴۱	نادرشاه ۲۴۰
۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۵	ناصرالدین شاه ۵۴، ۹۰
هومبولت ۲۵۴	نامق کمال ۹۴، ۱۵۲، ۱۵۳
هومر ۲۴۸	نایب‌الوزاره، میرزا عبدالوهاب خان ۲۴۴
هیوم ۲۰، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۷۹	۲۵۶
یوغنی سود = اوژن سو	نسلرود، کنت ۳۹ ح
	نصر، سید حسین ۲۱۸ ح
	نظامی گنجوی ۲۴۹، ۲۵۰

## فهرست واژه‌ها و اصطلاحات<sup>۱</sup>

تعصب هموطنی	آزادی ۱۳۳، ۱۴۱، ۲۲۱
تماشاخانه ۶۳، ۲۱۱	آزادیت ۱۳۵
تنظیمات ۱۰۵، ۱۶۵، ۲۲۱	آزادی خیال ۱۴۲، ۱۴۳
تئاتر ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷	آفتور ۶۶
۲۶۷، ۲۱۱	انالیست ۱۷۸، ۲۲۱
حب‌ملت ۱۱۷	اختیار و قبول ملت ۱۵۶
حریت جسمانیه ۱۴۱	ایکونومی پولتیک ۲۶۷
حریت روحانیه ۱۴۱	اینقویزاسیون ۱۹۷، ۲۲۴
حریت شخصیه ۱۵۷	باتریوت ۱۱۷
حریت کامله ۱۴۰، ۱۴۱	بازلمان ۱۵۲، ۲۲۹
حقوق آزادی ۱۳۶، ۲۰۵	یراتیک ۱۶۷
حقوق انسانیت ۱۴۸، ۲۰۵	یرتستان‌تسیم اسلامی ۱۰۷، ۱۸۶
حقوق بشریت ۱۳۶، ۱۴۱، ۲۲۱، ۲۲۵	۲۲۴ - ۲۲۰
حقوق حریت ۱۵۷	یروتستان ۲۲۲
حقوق عامه ۱۵۵	یروغریسیان ۹۱
دراما ۵۴، ۵۹، ۶۵، ۸۹	یروقره ۱۳۶، ۱۸۵، ۲۱۱
دیسپوت ۱۱۷، ۱۳۶، ۱۳۹، ۲۱۹، ۲۲۹	ینزور (یانسوز) ۱۴۵
دیسپوتیزم ۹۷، ۱۵۰، ۲۲۱	یوتزی ۲۴۷، ۲۴۸
دیسپوتیه ۹۷	یولیتیک، فن ۱۴۵، ۲۱۰
زولسیون ۱۴۵	تئوریک ۱۶۷
زومان ۴۵، ۶۰	ترقی ۱۵۵

۱- این فهرست شامل لغت‌های فارسی و خارجی است که در ادای مفاهیم جدید در متن اصلی نوشته‌ها بکار رفته‌اند. لغات خارجی را معمولاً به املاي اصلی آورده‌ایم. در تهیه فهرست توجه ما بیشتر معطوف به مفاهیم مدنی بوده است.

۱۶۴	ریولوتسیا ۱۴۱ ح
کومدی ۶۳، ۲۶۷	ساطریق ۵۸
لیبرال ۱۰۳، ۱۹۲	سلطنت دیسپوتیه ۹۸، ۱۴۵
لیبرال بودن ۲۱۹	سلطنت قونسی توتسی ۱۴۵، ۱۴۶
لیبرالیسم ۱۳۱	سلطنت کونستیتوسیون ۱۴۵، ۱۴۶
لیبرته فیزیق ۱۴۱	سلطنت مستقله ۱۵۰
لیبرته موزال ۱۴۱	سلطنت معتدله ۹۸، ۱۴۵، ۱۵۰
مجامع ۲۶	سیویلیزاسیون ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۴۲، ۱۵۵
مجمع عام (پارلمان) ۲۶۸	۲۰۲، ۲۳۳
مجمع مشورت ۸۰	سیویلیزه ۲۱۷، ۲۲۹
مجمع و کلای رعایا ۱۵۲	شارلاتان ۲۱۱، ۲۱۴
مجمع و کلای نجبا ۱۵۲	طباطر = تیاتر
مساوات حقوقیه ۱۴۴، ۲۲۱، ۲۲۵	علم اداره و پولیتیکه ۱۳۹
مساوات در حقوق ۱۵۶	غیرت ملت و خاک ۱۱۴
مساوات در محاکمات ۱۵۷	فراموشخانه ۲۶، ۱۴۸
مساوات مالیه ۱۴۴	فریکا ۱۸۲
مسلك پیروقره ۱۴۷، ۱۵۱	فن معاش ۲۶۷
مکالمه مضحکه (کومدی) ۲۶۷	فئاتیزم ۹۷، ۱۰۷
ملت ۱۱۷، ۱۶۶	فیلسوفیت ۱۳۱، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۳۳
ملتی ۱۱۷، ۱۵۵، ۲۵۲	فیلوسوف ۱۴۵، ۱۸۴
ملت بروزی ۱۱۷	قانون ناپلئونی ۱۵۵
میتافیزیسیان ۱۸۸	قریتقا ۲۵۷
ناموس ملتی ۱۱۷	قونسورواتوران ۹۱
نشئه آزادیت ۱۴۸	قونسی توتسی = کونستیتوسیون
نشئه وطن پرستی ۱۱۲	کریتکا ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۱۴۲، ۱۸۸، ۱۹۰
نظامنامه حکومت ۱۵۵	۱۹۱
وطن ۱۱۷، ۱۶۶	کریتکانویس ۲۳۷
هیأت مجتمه ۱۴۹	کریتیک ۲۴۴
	کونستیتوسیون ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۸

## کتابهای شرکت سهامی انتشارات خوارزمی

- |  |                                      |
|--|--------------------------------------|
| نوشته برنولت برشت                            | ۱ - آدم آدم است                      |
| ترجمه شریف لنگرانی                           |                                      |
| نوشته دکتر فریلدون آدهیت                     | ۲ - امیر کبیر و ایران                |
| نوشته برتراند راسل                           | ۳ - جنگ ویتام                        |
| ترجمه صمد خیرخواه                            |                                      |
| نوشته سیمین دانشور                           | ۴ - سووشون (داستان)                  |
| نوشته ای. پی. فورستر                         | ۵ - گندی به هند                      |
| ترجمه دکتر حسن جوانی                         |                                      |
| نوشته یوگنیا س. گینزبرگ                      | ۶ - سفری در گردباد                   |
| ترجمه دکتر مهدی سمعار                        |                                      |
| نوشته ماکسیم رودنسون                         | ۷ - عرب و اسرائیل                    |
| ترجمه دکتر رضا براهنی                        |                                      |
| نوشته برتراند راسل                           | ۸ - مسائل فلسفه                      |
| ترجمه منوچهر بزرگمهر                         |                                      |
| گردآورنده هوشنگ زندی                         | ۹ - مجموعه قوانین و مقررات شهرداریها |
| نوشته دکتر شاپور راسخ و دکتر جمشید بهنام     | ۱۰ - مغلله بر جامعه شناسی ایران      |
| نوشته لئو. تروتسکی                           | ۱۱ - یادداشتهای روزانه               |
| ترجمه هوشنگ وزیری                            |                                      |
| نوشته منوچهر بزرگمهر                         | ۱۲ - تحلیل فلسفه منطقی               |
| نوشته نیکوس کازانتزاکیس                      | ۱۳ - آزادی یا مرگ                    |
| ترجمه محمد قاضی                              |                                      |
| نوشته میگل آنجل استوریاس                     | ۱۴ - آنگای رئیس جمهور                |
| ترجمه زهرا ی خانلری (کیا)                    |                                      |
| نوشته دیوید هیوم                             |                                      |
| ترجمه حمید عنایت                             | ۱۵ - تاریخ طبیعی زمین                |
| نوشته دکتر محمد بهشتی                        |                                      |
| از مجدالدین میرفخرالی (گلچین گیلانی)         | ۱۶ - طب و پرستار                     |
| نوشته اوپروچف                                | ۱۷ - گلی برای تو (مجموعه شعر)        |
| ترجمه عبدالکریم قریب                         | ۱۸ - مبانی زمین شناسی                |
| نوشته سومینسکی - گولووینا - یاگلوم           |                                      |
| ترجمه پرویز شهریاری                          | ۱۹ - استقراء ریاضی                   |
| نوشته محمد بن موسی خوارزمی                   |                                      |
| ترجمه حسین خدیوچم                            | ۲۰ - جبر و مقابله خوارزمی            |
| نوشته امیر منصور امیرصندی - محمدجواد افتخاری |                                      |
| نوشته یاکوب ایمیلدورویچ یرلمان               | ۲۱ - رسم فنی                         |
| ترجمه پرویز شهریاری                          | ۲۲ - سرگرمیهای هندسه                 |

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)